وطن امروز
روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش
مدیرمسئول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲
سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر: ۱۳:۰۵ غروب آفتاب: ۱۹:۳۴
اذان مغرب: ۱۹:۵۲ نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۱
اذان صبح فردا: ۵:۰۸ طلوع آفتاب: ۶:۳۷

کلام نور

دوست ندارم با ذلت نفس به ارزنده ترین سرمایه‌ها و ثروت‌ها دست یابم.
امام سجاد(ع)

یادداشت روز

پاریس و سعدآباد را به یاد بیاورید

ادامه از صفحه اول

ایران هنوز نتوانسته ۴/۲ میلیارد دلار وعده‌داده شده را وارد خاک خود کند، از ناحیه لغو تحریم طلا و پتروشیمی و خودرو درآمد چندانی عاید ایران نشده و کانال بانکی هم که بنا بود برخی خریدها را تسهیل کند همچنان وجود خارجی ندارد. جالب است که روزنامه وال‌استریت ژورنال دو روز پیش نوشته بود آمریکا دسترسی ایران به این پول‌ها را فراهم نکرده چون مطمئن نیست ایران آنها را در چه راهی مصرف خواهد کرد و این یعنی احتمالا آقای ظریف باید فاکتور خریدهای کشور را هم دانه به دانه برای جان کری فاکس کند تا خیال مبارک کاخ سفید از این بابت که ایران دست از پا خطا نمی‌کند، کاملا آسوده باشد!

با این وضع، یعنی در حالی که نه تنها رفتار آمریکا پس از توافق ژنو بشدت توهین‌آمیز بوده بلکه حتی آنها به توافقی که صددرصد به نفعشان هم بوده عمل نکرده‌اند، باز می‌بینیم تیم مذاکره‌کننده ایرانی بی‌آنکه خم به ابرو بیاورد یا لااقل درباره میزان عمل آمریکا به توافق ژنو گزارشی به ملت بدهد، شتابان در حال حرکت به سمت امضای یک توافق بزرگ، جامع و تقریبا دائم با غربی‌هاست.

سؤال کلیدی و بسیار مهم اکنون این است: چگونه می‌توان انتظار داشت غربی‌هایی که به تعهدات مختصر خود طبق توافق ژنو عمل نکردند، به تعهداتی بسیار مهم‌تر و بزرگ‌تر در چارچوب یک توافق جامع عمل کنند و چه چیز آنها را از اینکه دوباره با ملت ایران خدعه نکنند، باز می‌دارد؟

حقیقت این است- و این حقیقت تلخی است- که این رفتار آمریکا همانقدر که در ماهیت پلید خود آنها ریشه دارد، محصول رفتار و نوع عملکرد دولت ایران هم هست.

وقتی دولت:

اولا: حتی به طور لفظی مایل به مقابله به مثل در مقابل اقدامات خصمانه غربی‌ها نیست.

ثانیا: در قبال بدعهدی آنها خطاپوشانه رفتار می‌کند اما منتقدان داخلی خود را به خشمگینانه‌ترین شکل ممکن -و با استفاده از همه ابزارهای رسانه‌ای، سیاسی، امنیتی و اجرایی- می‌نوازد.

ثالثا: آنقدر درباره دستاوردهای توافق ژنو نزد افکار عمومی غلو کرده که حالا راهی برای گله از غربی‌ها برایش نمانده.

رابعا: طرف غربی را متقاعد کرده که آنها هر طور رفتار کنند تیم مذاکره‌کننده پای میز مذاکره خواهد ماند و در اراده‌اش برای امتیازدهی تغییری ایجاد نمی‌شود؛ آیا منطقی است انتظار داشته باشیم دولت آمریکا به قول و قرارش پایبند بماند یا از تهدید ملت ایران دست بردارد و به یک توافق منطقی و خوب بیندیشد؟

دولت نه فقط برای سامان دادن به اقتصاد بلکه حتی برای تغییر دادن محاسبات آمریکایی‌ها هم باید به خود برگردد. اگر محاسبات دولت اصلاح شود، دیده‌ایم طولی نمی‌کشد که آمریکایی‌ها هم خود را با آن وفق خواهند داد؛ اگرنه توقع نتیجه‌بخشی از این روند طلب روزی ننهاده کردن است.

پاریس و سعد آباد را به یاد بیاورید.

ته دیگ

۳۰۰۰۸۸

تا حالا دقت کردین برف شادی برای شادیه
ولی وقتی میزنی همه بهت فحش میدن؟
نه، جان من دقت کرده بودین؟

آب‌وهوا

اراک	۱۶ / ۴	زنجان	۱۷ / ۲
اردبیل	۷ / -۳	ساری	۱۵ / ۸
ارومیه	۱۸ / ۴	سمنان	۱۸ / ۸
اصفهان	۱۹ / ۵	سنندج	۱۹ / ۲
اهواز	۲۹ / ۱۶	شهرکرد	۱۶ / -۱
ایلام	۱۹ / ۶	شیراز	۲۵ / ۷
بجنورد	۱۴ / ۳	قزوین	۱۷ / ۳
بندرعباس	۳۱ / ۲۰	قم	۱۹ / ۵
بوشهر	۲۷ / ۱۷	کرج	۱۲ / ۴
بوموسی	۳۰ / ۳۰	کرمان	۱۷ / ۶
بیرجند	۲۲ / ۶	کرمانشاه	۱۹ / ۵
تبریز	۱۷ / ۶	گرگان	۱۹ / ۹
تهران	۱۹ / ۸	مشهد	۱۸ / ۳
خرم‌آباد	۳۱ / ۶	همدان	۱۶ / ۳
رشت	۱۲ / ۸	یاسوج	۱۷ / ۳
زاهدان	۲۲ / ۱۰	یزد	۲۳ / ۸

تقویم امروز

■ **ولادت عالم و عارف ربانی «آقارحیم ارباب اصفهانی» (۱۲۹۷ ق)**

آیت‌الله آقارحیم ارباب اصفهانی در ۱۲ جمادی الاول سال ۱۲۹۷ق در اصفهان به دنیا آمد. پس از کسب مقدمات و سطوح حوزه از محضر درس اساتید برجسته‌ای همچون ابوالمعالی کلباسی، آخوند ملامحمد کاشی، سیدمحمدباقر درچه‌ای و میرزاجهانگیرخان قشقایی بهره‌ها گرفت و با آیت‌الله سیدحسین طباطبایی بروجردی هم مباحث بوده است. آیت‌الله ارباب اصفهانی به تأسی از استاد عارف و حکیم خود، جهانگیرخان قشقایی جز در هنگام اقامه نماز جمعه و جماعت، عمامه نمی‌گذاشت. وفات این فقیه بزرگ در شب عید غدیرسال ۱۳۹۶ق در ۹۹ سالگی روی داد.

■ **سقوط حکومت پادشاهی و تشکیل جمهوری در اسپانیا (۱۹۳۱م)**

اسپانیا در جنگ جهانی اول بی‌طرف ماند، ولی آلفونس سیزدهم، پادشاه وقت این کشور، برای مقابله با تشنجات داخلی با استقرار یک حکومت دیکتاتوری، بیش از پیش به موقعیت خود لطمه زد. وی در سال ۱۹۳۰م با برکناری نخست‌وزیر نظامی خود، درصدد اعطای آزادی‌هایی به مردم برآمد. ولی فضای باز سیاسی که پس از یک دوره طولانی دیکتاتوری در این کشور به وجود آمده بود، موجب تقویت نیروهای مخالف شد و آلفونس سیزدهم که در دوران سلطنت خود، پنج بار مورد سوءقصد قرار گرفته بود، در آوریل ۱۹۳۱م از بیم جان گریخت. خروج پادشاه اسپانیا از کشور به همه‌پرسی و اعلام جمهوری در دوازدهم آوریل آن سال انجامید. اما چندی از استقرار این حکومت نگذشته بود که سلطنت‌طلبانِ فاشیست به فرماندهی ژنرال فرانسیسکو فرانکو در ۱۷ ژوئیه ۱۹۳۶م علیه جمهوریخواهان شوریدند که باعث وقوع جنگ داخلی به مدت ۲/۵ سال در این کشور شد. این جنگ در نهایت با پیروزی سلطنت‌طلبان بر جمهوریخواهان در ۲۸ مارس ۱۹۳۹م به پایان رسید و پس از آن، حکومت دیکتاتوری ۳۶ ساله فرانکو بر اسپانیا حاکم شد.

■ **سفر «یوری گاگارین» فضانورد روسی به عنوان اولین انسان به فضا (۱۹۶۱م)**

پس از آنکه دانشمندان شوروی در سال ۱۹۵۷م با پرتاب نخستین قمر مصنوعی زمین، در تسخیر فضا پیشگام شده بودند، در سال ۱۹۶۱م نیز با فرستادن نخستین انسان به فضا، در این مسابقه پیشتاز شدند. نخستین سفینه فضایی که روز ۱۲ آوریل ۱۹۶۱م به فضا پرتاب شد ۴۷۰۰ کیلو وزن داشت. این سفینه فقط یکبار در ارتفاع ۳۷۲ کیلومتری به دور زمین گردش کرد ولی همین سفر موفقیت‌آمیز و بازگشت سلامت نخستین فضانورد جهان به زمین، زمینه را برای مسافرت‌های فضایی طولانی فراهم ساخت. قهرمان این عرصه یوری گاگارین، فضانورد ۲۷ ساله روس بود که در این روز با سفینه واستوک در مدت یک ساعت و ۴۸ دقیقه زمین را دور زد و بدین ترتیب تحولی بزرگ در عرصه فضانوردی به وجود آمد. پس از این سفر، رقابت میان آمریکا و شوروی برای تسخیر فضا شدت بیشتری گرفت و هر کدام به موفقیت‌هایی دست یافتند. به همین مناسبت روز دوازدهم آوریل، روز جهانی فضانوردی نامیده شده است.

■ **خرید آلاسکا از روسیه**

قرارداد خرید آلاسکا از روسیه نهم آوریل ۱۸۶۷ به تصویب سنای آمریکا رسید و ۳ روز بعد (۱۲ آوریل) پس از امضای رئیس‌جمهوری آمریکا قطعی شد. طبق این قرارداد، آلاسکا- مهاجرنشین روسیه در شمال قاره آمریکا- به مبلغ ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار خریداری شد. «ویلیام سیوارد» وزیر خارجه وقت آمریکا برای خرید آلاسکا تلاش فراوان کرده بود. سیوارد جمهوریخواه به سناتورهای متنفذ گفته بود که با این معامله، پای روس‌ها که در شمال کالیفرنیا مهاجرنشین ایجاد کرده‌اند، از قاره آمریکا قطع خواهد شد و از آنجا که بومیان قاره آمریکا (سرخپوستان) از سیبری مهاجرت کرده‌اند، اگر روس‌ها در اینجا بمانند به سرخپوستان کمک نظامی خواهند رساند و به‌تدریج مدعی همه قاره خواهند شد و مهاجران اروپای غربی را متجاوز اعلام خواهند کرد که دردسر بزرگی خواهدبود. آلاسکا که کانادا آن را از خاک اصلی ایالات متحده جدا کرده است اینک یکی از ایالات پنجاه‌گانه این کشور است و علاوه بر منابع زیرزمینی از جمله نفت و جاذبه‌های توریستی و صنعت ماهیگیری دارای اهمیت استراتژیک ویژه است و ایالات متحده را در همسایگی روسیه و چین و نزدیک به ژاپن قرار داده است. روس‌های ناسیونالیست هنوز از فکر پس گرفتن آلاسکا بیرون نرفته‌اند و عمل تزار را مغایر اختیارات یک رئیس کشور می‌دانند.

■ قاب روز

عکس: Getty image

آمریکا ـ دستگیری الکس هریبال دانش آموز متهم به تیراندازی در مدرسه و زخمی کردن ۱۹ دانش آموز و یک افسر پلیس در پنسیلوانیا

■ گفت‌وگو

حقوق اقشار ضعیف جامعه در گفت‌وگو با دکتر عطاءالله رفیعی آتانی

نگرانیم نگاه منفعت‌طلبانه غربی ما را خفه کند

ادامه از صفحه اول

اگر این فضا محقق شود به نظرم مشکل اصلی برای انفاق کننده‌ها است، نه فقرا. به این علت که فقرا باید منت بگذارند که کمکی را از کسی قبول کنند. می‌گویند وقتی شما به فقرا کمک می‌کنید قبل از اینکه به فقیر برسد به دست خدا می‌رسد. یعنی همین که شما قصد می‌کنید، مثل نماز حالت قرب به شما دست می‌دهد. آن موقع باید از فقرا تشکر کرد که این توفیق را به ما داده‌اند.

این‌طور جمع‌بندی کنم که ما در ماجرای حقوق اقشار ضعیف با یک بحث چندسطحی روبه‌رو هستیم؛ یکی آن نگاه انسان‌شناسانه بود که تربیتی و برای همه ما بود. دوم آن مبنای حقوقی و فقهی که همان بحث مالکیت منابع طبیعی و ثروت‌های طبیعی است که مال عموم جامعه است، در کنار آن بحث اخوت اسلامی و تنظیمات حقوقی مثل وضع خمس و زکات یعنی نهاد مبارزه با فقر.

نکته بسیار مهم این است که این اعمال چون با قصد قربت انجام می‌گیرد باید ابزار درون‌زای آن محقق شود. نیاز به سازوکارهای بیرونی نیست. یعنی زکات و خمس و همه اینها در یک فضای اعتقادی انجام می‌گیرد. کسی را مجبور نمی‌کنند که شما خمس و زکات بدهید. فرد تصمیم می‌گیرد بین خود و خدا.

حالا در هر شرایطی که کار بر زمین ماند، دولت اسلامی باید این پروژه را مدیریت کند یعنی از یک طرف فرهنگسازی و از سوی دیگر نهادسازی کند. آن هم در حد مبارزه و از بین رفتن فقر نسبی و نه فقط فقر مطلق. یعنی افراد زندگی‌های شایسته خودشان را پیدا کنند. شما این مسائلی را که مطرح کردم با فضاهای غربی مقایسه کنید. ببینید چقدر فرق می‌کند! روح متعالی انسانی به صورت طبیعی در آن نیست.

■ **البته هر دوی اینها در اینکه کمک به فقرا یک کار انسانی است اشتراک دارند. این طور نیست؟**

یک کار انسانی هست ولی یک کار انسانی که من بگویم او دارد به من توفیق می‌دهد، نیست. اگر ما ارزش این عمل را بدانیم این حالت پیش می‌آید اما مبنای او مبنای فردگرایانه و منفعت‌طلبانه غربی است. می‌دانید که یک دوره‌هایی در تاریخ نگاه فردگرایانه مادی غلبه پیدا کرده بود. می‌گفتند اصلا کار خیر کردن مبنا نیست چون زندگی را به هم می‌زند. منفعت‌طلبی مادی اساس کار نظام سرمایه‌داری است. آدام اسمیت می‌گوید، صبح که نانوا و قصاب به سر کار می‌آیند از سر خیرخواهی‌شان نیست؛ دقیقا و فقط از سر منفعت‌طلبی مادی‌اش است، پس تو هم دلت را خوش نکن. تو هم باید همین‌طور باشی. همه ما باید همین طور باشیم. می‌گوید این همان دست نامرئی است که زندگی ما را تنظیم کرده است بنابراین هر کسی که این نظم‌دهنده را به هم بزند، زندگی را به هم زده است. تو برای کار خودت پول بگیر، او هم برای کار خودش پول می‌گیرد و اینطور زندگی سر جای خودش است.

ما باید این مبانی را در نظر بگیریم. اینکه در عمل مردمان چگونه‌اند، خودش بحث دیگری است. شما این تفسیر از فقر و دارایی را در کنار مبانی اسلامی بگذارید. تفسیر دارایی را این‌طور ببین که انسان الهی خودش را امانتدار خدا می‌داند. شهید صدر می‌فرمایند سنت امتنان، سنت استخلاف یعنی خودش را خلیفه خدا در زمین و امانتدار می‌داند. این اموال را برای خودش نمی‌داند. می‌گوید من به عنوان جانشین در این اموال تصرف می‌کنم. جنس و روح مالکیت ما از نوع امانتداری است. امین، اموالش را همان جایی خرج می‌کند که کسی که به او امانت داده گفته، اگرنه خائن است. با این نگاه‌ها ببینید چقدر همه چیز فرق می‌کند. آن موقع وقتی انسان می‌خواهد خمس و زکات بدهد وسواس به خرج می‌دهد و بیشتر می‌دهد.

■ **آیا این خطر وجود دارد که این نگاه غربی منفعت‌طلبانه مادی در کشورهای مسلمان گسترش پیدا کند؟ مثلا بگوییم «مگر وظیفه ما است که به مستمندان و زلزله‌زده‌ها کمک کنیم؟ ما مالیات می‌دهیم و این وظیفه دولت است!»**

این خطر در همه عرصه‌های زندگی وجود دارد. می‌گویند ما سه‌زیست هستیم. یک لایه ایرانی داریم، یک لایه اسلامی داریم و یک لایه غربی. همه اینها به حسب موارد اثرش را می‌گذارد.

البته من برای آن نوع مطالبه مردم هم یک حقی قائل هستم. اینکه بگویند حکومت باید این کار را بکند. حکومت منابع عمومی مثل نفت را دارد، مالیات می‌گیرد و... بنابراین باید این کار را بکند. مطالبه مردم از دولت حق است اما این مستمسک نمی‌شود که وظیفه خودشان را در مقابل آن انجام ندهند. اگر همسایه شما دچار فقر است، با این حق که مساله‌اش حل نمی‌شود بنابراین اول باید مساله این را حل کنی و بعد بروی با دولت بحث کنی. چیزی که الان باید نگرانش باشیم این است که این نگاه منفعت‌طلبانه مادی ما را خفه نکند. نگوییم به من ربطی ندارد. فاجعه اینجا اتفاق می‌افتد که من و شما بگوییم به من ربطی ندارد.

■ **مدلی که ما در سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد خودمان داریم با مدل آنها فرق دارد؟**

مدل خاصی نیست. چیزی که ما داریم و بسیار عمیق‌تر از آنهاست همین مدل‌های مردمی است، شبکه‌هایی که ما در دل جامعه‌مان داریم و خیلی از آنها را نمی‌بینیم. زندگی خیلی‌ها با همین‌ها می‌چرخد.

■ **مثلا قرض‌الحسنه‌ها؟**

نه لزوما. خیلی از اینها اسم ندارند. یک آدم معتبر، یک روحانی، کاسب و دانشگاهی معتبر که ما او را نمی‌شناسیم اما واسطه و عامل حل مشکل مالی بسیاری از خانواده‌ها هستند. اصلا جنس این کار این است که نشناسیم. چیزی که ما نیاز داریم سازوکارهای مردم‌نهاد دینی است. در این نظام عقلانی است که این کمک‌ها شکل می‌گیرد.

نکته بعدی این است که فقر فقط فقر اقتصادی نیست. فقر فرهنگی هم هست. واقعا فکر می‌کنم کسی که در شمال شهر تهران کسی را ندارد و به جای اینکه با بچه‌هایش زندگی کند با سگش زندگی می‌کند، او از زندگی محروم‌تر است نسبت به کسی که جنوب تهران نشسته و فقط پول سنگکش را دارد ولی وقتی اذان مغرب را می‌شنود، با چه نشاطی به سمت جایی که دلش می‌تپد می‌دود.

بنابراین ممکن است بگوییم بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها باید برای مبارزه با فقر فرهنگی باشد. حکومت اسلامی همچنان که برای از بین بردن فقر اقتصادی باید تلاش بکند موظف‌تر است که برای فقر فرهنگی تلاش کند. مبارزه با فقر فرهنگی بسیاری اوقات مشکلات اقتصادی را حل می‌کند. حتی ممکن است بگویید سرمایه‌گذاری برای بهبود ظرفیت‌های انسانی زندگی. این منظر می‌گوید اگر می‌خواهید فرد تعالی اخلاقی پیدا بکند و ظرفیت‌های کار برایش ایجاد شود، به قول معروف به جای ماهی به او ماهیگیری یاد بدهید. اینها ترجیح دارد.

اگر بخواهم یک جمع‌بندی بکنم باید بگویم همه مساله ما فرهنگی است، چه آنجا که واقعاً فقر فرهنگی است و چه آنجا که فقر اقتصادی است زیرا آنجا هم مساله رشد فرهنگی فقیر و غنی وجود دارد بنابراین اگر ما با نگاه فرهنگی با فقر روبه‌رو بشویم هم فقر حل می‌شود، هم فقر را با یک نگاه تنگ‌نظرانه ندیده‌ایم. همه را با یک نگاه متعالی و جامع‌تر در نظر گرفته‌ایم و انسانی برخورد کرده‌ایم.

■ سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸ / تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ به دولتمردان و عموم سیاسیون بگویید سعه‌صدر بیشتری از خود نشان دهند البته رعایت انصاف و نقد منصفانه همیشه کارساز بوده.

سعید

■ سیب‌زمینی ۴۰۰۰ تومان، مرغ و لبنیات و ... افزایش قیمت داشته، خدا می‌داند قیمت‌ها بعد از آزادسازی بهای حامل‌های انرژی چند می‌شود؟ آیا دولت به فکر قشر آسیب‌پذیر هست یا با طرح‌هایی مثل سبد کالا مشکل ما قشر ضعیف حل می‌شود؟!!

سادات عباسی

■ مدتی است صحبت از مسکن اجتماعی می‌شود. مسکن اجتماعی دیگر چه صیغه‌ای است؟ آیا این هم مثل مسکن مهر که حداقل نیاز خیلی از جوانان تازه متاهل و بی‌خانه‌ها را حل می‌کرد جوابگوی قشر جوان خواهد بود؟ از بخش اقتصادی روزنامه تقاضای تهیه گزارشی در این زمینه داریم.

امین و مهسا / مارلیک

■ امید است در سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی همه ملت، دولتمردان و مجلسیان و دیگر مسؤولان همراه رهبری باشند و گوش جان به فرامین معظم‌له دهند تا شاهد پیشرفت و اعتلای کشور باشیم.

فاطمی

■ ضمن تشکر از مواضع روشنگرانه روزنامه‌تان و با تبریک روز ملی فناوری هسته‌ای لطفا کمی از واقعیات و نتایج آخرین جلسه مذاکرات با حضور وزیر امور خارجه و آغاز پیش‌نویس نهایی بنویسید.

جعفری از نیشابور

■ آنم آرزوست/ ۱۳۴

شهرت‌طلبی

■ حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدسعید لواسانی ■

برای اینکه به مدارج بالای معنوی برسیم و هدف آفرینش ما تحقق پیدا کند و دولت و جامعه ما نیز دولت و جامعه اسلامی شود، لازم و ضروری است نفسانیت و هوای نفس از وجود ما پاک شود. زیرا نفس بزرگ‌ترین دشمن انسان و انسانیت و جامعه انسانی است و تا بر آن فائق نیامده‌ایم، همواره در حجاب نفسانیت هستیم و از دیدار حق محرومیم و باید نگران باشیم که روزی ما را به زمین بزند و اسیر فتنه‌های خود کند. فتنه‌گری‌های نفس، ظهورات و جلوه‌های نفس است. نفس بتی است که هر لحظه و آنی به صورتی درمی‌آید و هیچ‌گاه از آن ایمن نیستیم. تاکنون برخی ظهورات آن را بیان کردیم و اگر خدا بخواهد در چند شماره به یکی از جلوه‌های بسیار خطرناک آن یعنی «شهرت‌طلبی» اشاره می‌کنیم. «شهرت‌طلبی» ترجمه «حب‌جاه» و به معنای تلاش برای قدر و منزلت پیداکردن است و آن از ظهورات نفس است که انسان را به هلاکت می‌کشاند و بلکه از بزرگ‌ترین مهلکات نفسانی است. «شهرت‌طلبی» در حقیقت به حب‌نفس و به مطرح‌کردن خود بازمی‌گردد و به دنبال غفلت از خدا ظهور می‌کند و بنده را از قرب الهی مانع می‌شود. از این‌رو زدودن این خصلت ناشایست به سختی ممکن است؛ چون در حقیقت کنارزدن و شکستن خود است. چنانکه حضرت امام می‌فرمایند: «تمام گرفتاری‌هایی که برای همه ما هست، برای این حب‌جاه و حب‌نفس است. حب‌جاه است که انسان را به کشتن می‌دهد، انسان را به فنا می‌دهد، انسان را به جهنم می‌برد. رأس همه خطیئه‌ها همین است: «رَأسُ کُل خَطیئَه» همین حب‌جاه و حب‌نفس است. همه خطاها از این‌جا بروز می‌کند. انسان چون خود را می‌بیند و خودخواه است، همه چیز را برای خودش می‌خواهد؛ و هر کس مانع او بشود ـ ولو به توهمش ـ با او دشمن می‌شود؛ و هر چه را که می‌خواهد، چون برای خودش می‌خواهد، حدود، دیگر قائل نیست، از این جهت مبدأ همه گرفتاری‌ها می‌شود.» [تفسیر سوره حمد: ۱۰۸ ـ ۱۰۹]

اما حقیقت «شهرت‌طلبی» چیست؟ «حقیقت «شهرت‌طلبی» تسخیر قلوب مردم و مالک‌شدن دل‌های ایشان است.» [معراج السعاده: ۵۸۹] به گونه‌ای که انسان دوست دارد نام و آوازه‌اش انتشار یابد و در دل‌های مردم جای گیرد، تا مردم او را بزرگ بدارند و به او و فرمان‌های او گردن بنهند. این امر چگونه میسر است؟ وقتی که مردم او را دارای کمالی بدانند، چه کمال حقیقی و چه کمال دروغی و پنداری. به تعبیر دیگر انسان خود را به صفات و ویژگی‌ها و فضیلت‌های اخلاقی و اجتماعی آراسته می‌کند، یا چنان جلوه می‌دهد که به این خصایص آراسته است و خود را متصف به علم و دانش، عبادت و پارسایی، شجاعت و سخاوت، ریاست و قدرت، مال و ثروت، کمال و جمال و امثال آنها می‌کند. اما هدف همه تلاش‌های شبانه‌روزی برای رسیدن به این کمالات، آن است که دل‌های مردم رام او شود و به فرمان او دربیاید و مردم به او دل‌بسته شوند و او را مدح و ثنا گویند و ستایش کنند و در خدمت او درآیند و همواره یاری‌اش کنند و در یک کلام او را بزرگ بدارند و احترام کنند و همواره بر خود مقدم بدارند. [جامع‌السعادات: ۳۶۰/۲] خواننده محترم توجه دارد که انسان موظف است خود را به کمالات مختلف متصف کند؛ هم کمالات حقیقی چون بندگی خدا و عبادت و هم کمالات اعتباری چون خدمتگزاری به مردم و خدمت در نظام اسلامی. اما این اتصاف به کمالات دوگونه است: یا تنها برای خداست، که این در حقیقت حمد خداست که بنده کمال الهی را در خود متجلی می‌کند و شکر خداست که بنده شکر نعمت‌های الهی را به جا می‌آورد. یا به سبب تثبیت نفسانیت است که ظهور و جلوه‌ای از هوای نفس است که حقیقت آن جز حجاب و سقوط در اسفل‌السافلین نیست. چنانکه عارف عالی‌مقام و حکیم متأله ملاصدرای شیرازی می‌فرماید: «بزرگ‌ترین علت حجاب از درک حقیقت، حب‌جاه و مقام‌داشتن نزد دیگران و میل به ریاست و شهرت و نفوذداشتن در بلاد و برتری بر مردمان است.» [عارف و عارف‌نمایان: ۶۰]

چرا چنین است؟ زیرا او خود را دارای کمالاتی می‌پندارد که مردم باید به دلیل این کمالات رام او باشند و او را بزرگ شمرند. در حالی که کسی که برای خدا کار می‌کند، اصلا کمالی برای خود قائل نیست و حقیقت کمال را از آنِ خدا می‌داند و همواره خود را محتاج الطاف و فُیوضات الهی می‌بیند. توجه هم داشته باشیم که مردم در «شهرت‌طلبی» متفاوت هستند. برخی در حد خانواده و دوستان خود متوقف می‌شوند، برخی در شهر و روستای خود و برخی در کشور و دولت و حکومت متوقف می‌شوند و برخی می‌خواهند جهان در برابر آنان تعظیم کند. بنابراین هیچ‌کس از این صفت خطرناک و هلاک‌کننده مصون نیست. مگر اینکه با مجاهده با نفس، حجاب نفسانیت را در خود خرق کند و نور حق را در ورای آن ببیند.